

سؤالات چهار گزیننه‌ای (۲ نمره)			
ج ۱	د ۲	الف ۳	ب ۴
سؤالا تشریحی (۱۸ نمره)			
۱- «الغاء» و «تعلیق» را تعریف کرده، بنویسد چنانچه عبارت «عمرُو عالمٌ» به هریک از جملات زیر عطف شود، چه تغییرات اعرابی در آن ایجاد می‌شود؟ (أ) ظننتُ لزيدٍ قائم (وعمرُو عالمٌ) : (ب) زيدٌ قائمٌ ظننتُ (وعمرُو عالمٌ) :			
الغاء: عبارت است از ترک عمل افعال قلوب لفظاً و معنی به خاطر توسط فعل قلبی میان دو معمولش یا تأخر فعل قلبی از آنها. (۰/۵) تعلیق: عبارت است از ترک عمل افعال قلوب لفظاً فقط، به خاطر وجود مانعی از عمل فعل قلبی. (۰/۵) (أ) تعلیق، در صورت عطف، هر دو کلمه منصوب می‌شود (عمرأً عالماً). (۰/۵) (ب) الغاء - در صورت عطف، هر دو کلمه مرفوع است (عمرُو عالمٌ). (۰/۵)			
۲- قال ابن مالك:			
<p>يُنْصَبُ مَفْعُولًا لَهُ الْمَصْدَرُ إِنْ      أَبَانَ تَغْلِيلاً كَجُدْ شُكْرًا وَدِنْ</p> <p>وَهُوَ بِمَا يَعْمَلُ فِيهِ مَتَّخِذٌ      وَقْتًا وَفَاعِلًا وَإِنْ شَرَطُ فَقَدْ</p> <p>فَأَجْرُهُ بِالْحَرْفِ وَلَيْسَ يَمْتَنِعُ      مَعَ الشُّرُوطِ كَلِزْهُدٍ ذَا قَنَعٍ</p>			
با توجه به ابیات یادشده، جواز یا عدم جواز نصب جارو مجرورهای زیر را بنابر «مفعول له» مشخص کرده، سبب هریک را توضیح دهید. (أ) وَاثِي لَتَعْرُونِي لِذِكْرِكِ هِزَّةً : (ب) سَرِيٌّ زَيْدٌ لِلْمَاءِ : (ج) ضَرِبْتَهُ لِلتَّأْدِيبِ : (د) لِدَوَا لِلْمَوْتِ :			
(أ) عدم جواز نصب، زیرا اتحاد فاعلی ندارند. (ب) عدم جواز، زیرا «للماء» مصدر نیست. (ج) جواز، استکمال شروط نصب. (د) عدم جواز نصب، اتحاد در زمان ندارد.			
۳- کلمات مشخص شده را ترکیب کرده، معرب یا مبنی بودن آنها را مشخص کنید. (أ) لا رَجُلٌ فِي الدَّارِ وَلَا امْرَأَةٌ : (ب) لا رَجُلٌ فِي الدَّارِ وَلَا امْرَأَةٌ : (ج) لا رَجُلٌ فِي الدَّارِ وَلَا امْرَأَةٌ : (د) لا رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ فِي الدَّارِ :			
(أ) اسم لای نفی جنس - مبنی بفتح (ب) اسم لای شبیه به لیس - مرفوع اعطف بر محل «لا» ی نفی جنس و اسمش - مرفوع (یک ترکیب کافی است) (ج) عطف بر محل اسم لای نفی جنس - منصوب (د) عطف بر محل «لا» ی نفی جنس و اسم آن - مرفوع			
۴- «وَأَمَّا التَّوَكُّيدُ فَيَجُوزُ تَرْكِيبُهُ مَعَ الْمُؤَكَّدِ وَتَوْنِيئُهُ، نَحْوُ: «لَا مَاءَ مَاءَ بَارِدًا». [وقيل:] وَالْقَوْلُ بَأَنَّ هَذَا تَوَكُّيدٌ خَطَأٌ لِأَنَّ التَّوَكُّيدَ اللَّفْظِيَّ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِثْلَ الْأَوَّلِ، وَهَذَا أَخْصَصُ مِنْهُ». با توجه به متن، توضیح دهید: الف) چرا نمی‌توان عبارت «ماء بارداً» را تأکید لفظی به شمار آورد؟ ب) چه نقش دیگری می‌توان برای آن در نظر گرفت؟ الف) زیرا «ماء» دوم به خاطر وصف «باردا» اخص از «ماء» نخست است و تأکید باید مانند لفظ مؤکد باشد. ب) عطف بیان یا بدل.			
۵- در کدامیک از عبارات‌های زیر مفعول مطلق وجود دارد؟ آن را مشخص کنید. (تها ۴ مفعول مطلق در میان عبارات زیر وجود دارد) الف) جنت راکضاً : (ب) قرأتُ الكتابِ أحسنُ قرانَةٍ : (ج) جدتُ في الدرسِ كلَّ الجِدِّ : (د) ما رأيتهُ بعضَ اليومِ : هـ) رأيتُ الحربَ مشاهدَةً : (و) أكرمتُهُ ذلكَ الإكرامَ : (ز) أرسلتُ إليه أحسنَ رسالةٍ : (ح) أعجبتني ذلكَ الضربَ :			
ب - أحسن      ج - كلٌّ      هـ - مشاهدة      و - ذلك			
۶- اعراب کلمات مشخص شده و نقش آنها را در جملات زیر بنویسد. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ‌گویند) (نمونه: ما جاتني إلا موسى ← «موسی» مرفوع، فاعل) الف) قام القومُ غيرَ زيدٍ : (ب) ما ذهبَ أحدٌ إلا علي : (ج) شاهدتُ الرجالَ إلا مريم : د) قرأتُ البهجة المرضية ما عدا باب الاستثناء : (هـ) ما شربتُ غيرَ ماءٍ : (و) ما سلمتُ على الرجالِ سوى زيدٍ :			
(أ) مرفوع، مستثنى (ب) مرفوع، مستثنى (ج) منصوب، مفعول (د) منصوب، مفعول (هـ) منصوب، مفعول (و) منصوب، ظرفیت (سببیه) / مفعولیت (ابن مالک)			
(۴ مورد - هر کدام ۰/۵ نمره)			

۷- در مثال‌های زیر حکم «ان» را مشخص کنید. (وجوب کسر همزه، وجوب فتح همزه، جواز فتح و کسر همزه) و سبب هر یک را بنویسید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گویند)  
 الف) يُعْجِبُنِي أَنْكَ قَائِمٌ : (ب) ظَنَنْتُ أَنْكَ لَقَائِمٌ : (ج) حَسِبْتُ زَيْدًا أَنَّهُ قَائِمٌ : (د) خَرَجْتُ فَإِذَا أَنْ زَيْدًا قَائِمٌ : (ه) ظَنَنْتُ أَنْكَ قَائِمٌ : (و) أَلَا أَنْ زَيْدًا قَائِمٌ :

أ) وجوب فتح (ب) وجوب کسر (ج) وجوب کسر (د) جواز فتح و کسر (ه) وجوب فتح (و) وجوب کسر  
 (۴ مورد هکدام ۵/). (نمره)

۸- قال ابن مالك:

وَباتَّفَاقٍ قَدِ يَنْوِبُ الثَّانِ مِنْ بَابِ كَسَا فِيمَا التِّيَابِسُ أَمِنْ  
 فِي بَابِ ظَنَّ وَأُزِي الْمَنْعُ اشْتَهَرَ وَلَا أَرَى مَنَعًا إِذَا الْقَصْدُ ظَهَرَ

با توجه به ابیات یادشده، نائب فاعل شدن مفعول دوم در عبارت‌های زیر را از دیدگاه ابن مالک بررسی کنید. سبب جواز یا منع آن را بنویسید.

الف) كَسَوْتُ زَيْدًا جَبَّةً : (ب) أَعْطَى زَيْدٌ عَمْرًا غُلَامًا : (ج) ظَنَّ زَيْدٌ عَمْرًا عَالِمًا : (د) عَلِمْتُ زَيْدًا أَخَاكَ :

أ) جواز - زیرا در باب «اعطى» اگر ایمن از اشتباه باشیم، می‌توان مفعول دوم را نائب فاعل قرار داد.

ب) عدم جواز - زیرا هر کدام از «زید» و «عمرو» صلاحیت اینکه آخذ باشند را دارند، در نتیجه با جواز نائب فاعل شدن دومی، اشتباه حاصل می‌شود.

ج) جواز - زیرا میان «عمرو» و «عالم» تفاوت است و در صورت نائب فاعل شدن «عالم»، التباس رخ نمی‌دهد.

د) عدم جواز - زیرا با نائب فاعل شدن «أخاک» اشتباه حاصل می‌شود، مانند مثال دوم.

۹- برای رفع کلمه «عَمْرُو» در مثال «إِنَّ زَيْدًا قَائِمٌ وَعَمْرُو» سه وجه بیان شده است. آنها را ذکر کنید و توضیح دهید چنانچه با ورود کلمه «إِنَّ» عامل ابتدائیت به کلی زایل شود، کدامیک از وجوه سه گانه صحیح است؟

۱- عطف بر محل اسم «ان» زیرا در اصل مبتدا بوده است (۵/): ۲- مبتدا، و خبر آن محذوف به تقدیر «وعمرُو كذلك». (۵/): ۳- عطف بر محل «ان» و اسم آن (۵/).

۲- در صورت زائل شدن عامل ابتدائیت (به کلی) پس از ورود «ان» چون محل مرفوعی برای اسم «ان» متصور نیست، در نتیجه ترکیب دوم تعیین پیدا می‌کند. (۵/)